معجزه اقتصادی آسیا، چقدر واقعی است

مارک اسکوزن

ایلدلری، سهیل

 رشد اقتصادی شتاب گونه کشورهای جنوب شرقی‏ آسیا در سال‏های اخیر و اطلاق عنوان معجزه بر آن‏ بسیاری از مراکز و کارشناسان مسائل اقتصادی را به‏ تجزیه و تحلیل این پدیده واداشته است."مارک‏ اسکوزن‏"،اقتصاددان کالج‏"رولینز"در ایالت فلوریدا و سردبیر نشریه Forecasts Strategies یکی از نشریات‏ معتبر در زمینه امور سرمایه‏گذاری در آمریکا است.او در مطالعات خود به مقایسه اقتصاد کشورهای آسیای‏ جنوبشرقی با اقتصاد اتحاد شوروی سابق پرداخته است. بخشی از دیدگاه‏های او در این نوشتار ارائه شده است.

معجزه اقتصادی آسیا که بعد از جنگ جهانی دوم‏ حاصل شد،شوک عظیمی به دنیای اقتصاد وارد آورد.

در بررسی‏هایی که در ده کتاب معتبر علم اقتصاد انجام‏ داده‏ام (Economic on Trial,Irwin,1993) توانسته‏ام تعدادی‏ از رموز رفاه اقتصادی ژاپن و اسرار ناگفته چهار ببر اقتصادی‏ آسیا(هنگ کنگ،سنگاپور،کره‏ جنوبی و تایوان)و برخی از اقتصادهای تازه صنعتی شده‏ (اندونزی،مالزی و تایلند)را آشکار سازم.موقعیت‏ ناامیدکننده،نیاز مفرط و استیصال‏ ژاپن در سال 1945 باعث شد این‏ کشور در ردیف یکی از فقیرترین‏ کشورهای جهان قرار گیرد.در آن‏ هنگام در ژاپن هیچ آسمان‏ خراشی دیده نمی‏شد،هیچ بانک‏ رشد اقتصادی شرق آسیا تداوم می‏یابد و حتی‏ در دهه آینده از رشد اقتصادی غرب نیز پیشی‏ می‏گیرد،اما نه با آهنگ‏ رشد سال‏های اخیر

قدرتمندی وجود نداشت و هیچ اتومبیل و صنعت‏ الکترونیکی یافت نمی‏شد.اکنون ژاپن از لحاظ امید به‏ زندگی شهروندانش در صدر کشورهای جهان قرار دارد، از لحاظ اقتصادی به یک ابر قدرت تبدیل شده است و بعد از ایالات متحده به عنوان ثروتمندترین کشور جهان‏ شناخته می‏شود.

هنگ کنگ با مشکلات فراوانی مواجه بود.شش‏ میلیون جمعیت این کشور در 400 مایل مربع زندگی‏ می‏کردند و از نعمت نفت و سایر منابع معدنی بی‏بهره‏ بودند.بخش اعظم آب آشامیدنی و مواد غذایی این شکور از خارج وارد می‏شد و با شرکای بازرگانی‏اش هزاران‏ مایل فاصله داشت.اکنون این مستعمره سابق انگلستان‏ دور باطل فقر را شکسته و دومین کشور ثروتمند حوزه‏ اقیانوس آرام شمرده می‏شود.

بیست و سه اقتصاد منطقه شرق آسیا از سال 1956 رشد اقتصادی بسیار سریعی را تجربه کرده‏اند و سطح درآمد آنان به شدت افزایش نشان می‏دهد.نسبت افرادی که در فقر مطلق به سر می‏برند به وضوح کاهش و نرخ امید به‏ زندگی از 56 سال در سال 1960 به 71 سال در سال 1990 افزایش یافته است.

دلایل معجزه

چرا اقتصاددانان آمریکایی تا زمان بروز موفقیت‏های‏ اقتصادی اخیر،نسبت به معجزه اقتصادی آسیا بی‏توجه‏ بوده‏اند؟شاید به دلیل آن که مدل توسعه اقتصادی آسیا به طور دقیق منطبق با چارچوب کینزین‏ها و دستورالعمل‏های آنان نبود که در آن سطوح بالای مصرف،بدهی و هزینه‏های دولتی مورد توجه است. تقریبا"در تمام اقتصادهای شرق آسیا که سریعا"رشد کرده‏اند،درجه مالیات‏بندی دولت و برنامه‏ریزی‏ مرکزی به طور نسبی پایین و میزان سپرده‏گذاری بر اساس استانداردهای کینزین‏ها بسیار بالا بود.همچنین‏ بودجه دولت عموما"با مازاد مواجه می‏گشت و حجم‏ دولت‏های رفاه به طور نسبی کوچک بود.آن گونه که از تحقیقات بانک جهانی در سال 1993 بر می‏آید،رشد سریع‏ در هر اقتصادی در وهله اول از طریق به کارگیری‏ مجموعه‏ای از سیاست‏های اقتصادی بازار محور،پیشتاز از لحاظ انباشت سرمایه و تخصیص بهینه منابع حاصل‏ می‏شود.

چالش‏های کروگمن

اکنون با دیدگاه پروفسور"پل کروگمن‏"در خصوص‏ ایده‏"معجزه اقتصادی آسیا"آشنا می‏شویم.او که اخیرا" از دانشگاه MIT به دانشگاه استنفورد منتقل شده است، مورد توجه خاص رسانه‏های جمعی است و از اندیشه‏هایش به عنوان یک شخص موفق در عرصه علم‏ اقتصاد استفاده می‏شود.وی همچنین برنده جایزه نوبل‏ است و هفته نامه معتبر اکونومیست با لقب‏"معتبرترین‏ اقتصاددان نسل کنونی‏"از وی یاد کرده است.

مطابق نظرات کروگمن هیچ معجزه اقتصادی‏ در خصوص رشد اقتصادی آسیا وجود ندارد.این معجزه‏ فقط یک پندار و خیال است و یادآورنده رشد اقتصادی‏ شگفت‏انگیز اتحاد شوروی سابق در دوران گذشته‏ (1990-1920).

کروگمن مشابهت‏های شگفت‏آوری را میان شرق‏ آسیا و اتحاد جماهیر شوروی در می‏یابد و می‏گوید: "تحرک بیش از حد منابع‏"مشخصه هر دوی آن‏هاست. در خصوص اتحاد جماهیر شوروی،کروگمن به این‏ نکته توجه دارد که‏"برنامه‏ریزان استالینیست‏"میلیون‏ها کارگر را از مزارع به شهرها انتقال دادند،توده‏های‏ میلیونی از زنان را به اجبار به کار گماشتند و میلیون‏ها نفر از مردان نیز مجبور بودند مدت زمان متمادی در سر کار حاضر باشند.آنان برنامه‏های جامعی را نیز در زمینه‏ رشد همه جانبه تولیدات کارخانه‏ای و ساخت و ساز کارخانجات جدید دنبال نمودند.

بر اساس یافته‏های کروگمن،رهبران شرق آسیا دارای‏ خصایص استبدادی و سلطه‏جویانه بودند و به مردم فشار می‏آوردند تا به شدت کار کنند.آنان همچنین‏ استانداردهای آموزشی را ارتقاء بخشیده و سرمایه‏گذاری‏های کلانی را در زمینه سرمایه‏های‏ فیزیکی انجام دادند.به طور خلاصه می‏توان گفت شرق‏ آسیا دقیقا"مشابه اتحاد جماهیر شوروی رشد اقتصادی‏اش صرفا"به واسطه تحرک و جابه‏جایی منابع‏ حاصل شده است.

علاوه بر این،همانند شوروی سابق رشد اقتصادی‏ شرق آسیا احتمالا"به دلیل محدودیت نیروی کار و سرمایه رو به کاهش خواهد نهاد.کروگمن همچنین‏ اظهار می‏دارد:به احتمال زیاد رشد اقتصادی شرق آسیا تداوم می‏یابد و حتی در دهه آینده از رشد اقتصادی غرب‏ نیز پیشی می‏گیرد،اما این امر،با آهنگ رشد اقتصادی‏ سالیان اخیر محقق نخواهد شد.

شرق آسیا دقیقا"مشابه‏ اتحاد جماهیر شوروی‏ رشد اقتصادی‏اش‏ صرفا"به واسطه‏ تحرک و جابه‏جایی‏ منابع حاصل شده است

ارقام غیر واقعی

من به دیدگاه جزم اندیشانه و تحلیل غیر واقعی پل‏ کروگمن نسبت به معجزه اقتصادی آسیا به دیده احتیاط و تردید می‏نگرم.اولین انتقاد من این است که مقایسه‏ معجزه اقتصادی شوروی سابق با معجزه اقتصادی آسیا در خور توجه است،ولی در عین حال از یکسری نواقص‏ اساسی رنج می‏برد.اقتصاد شوروی در درجه اول یک‏ اقتصاد دستوری بود در حالی که اقتصاد کشورهای‏ آسیایی مبتنی بر اقتصاد آزاد است.استالینیست‏ها به طور مصمم درگیر یک جریان صنعتی و نظامی شدن و هزینه‏ کردن بر مبنای استانداردهای خاص زندگی در شوروی‏ بودند.بر این مبنا،آمارهای رشد اقتصادی شوروی به‏ طور گسترده‏ای ساختگی و داستان گونه بود.

در خصوص صادرات شوروی،"مارشال گلدمن‏"طی‏ سال‏های آغازین دهه 1980 گفته بود:"این نظام شدیدا" در پی تولید فولاد و ماشین آلات سنگین بود در حالی‏ که این کشور به غذا،کالاهای مصرفی و تکنولوژی‏ مدرن‏تر احتیاج داشت."به عبارت دیگر،تحرک و جابه‏جایی منابع در میان کشورهای آسیایی از طریق تولید و افزایش دقیق و موشکافانه طیفی از تقاضاها برای‏ بازارهای بین‏المللی بود.بنابراین،به طور چشم‏گیری‏ استانداردهای زندگی آنان ارتقاء یافت.

درس‏هایی از آسیا

سرانجام کروگمن یک اصل را نادیده گرفته است. سئوال اصلی این است:چرا تعدادی از کشورها در خارج‏ از قاره آسیا وجود دارند که معجزه اقتصادی در آنها رخ‏ داده است و چگونه کشورهای صنعتی از قبیل ایالات‏ متحده و اروپا می‏توانند از معجزه اقتصادی آسیا درس‏ بیاموزند؟پاسخ آشکار است.اقتصادهای آسیایی رشد سریعی داشتند به دلایلی متعدد:

1.آنها به طور گسترده‏ای بازار محور بودند،از کنترل‏ دستمزدها و قیمت‏ها و کنترل بر امور بازرگانی پرهیز داشتند.

2.آنها ثبات کلان اقتصادی را تشویق می‏کردند(از سطوح بالای تورم و کسر بودجه گریزان بودند)، فعالیت‏های دولت دارای حد و مرز بود و از اجرای‏ برنامه‏های گسترده رفاه اجتماعی ابا داشتند.

3.نظام‏های مالی و قانونی ثابت و مطمئنی را پیشنهاد می‏کردند.

4.به جای تشویق هزینه کردن گسترده برای مصرف، برنامه‏های مربوط به سپرده‏گذاری و سرمایه‏گذاری را ترغیب می‏کردند.

5.بسیاری از کشورهای آسیایی معافیت‏های مالیاتی‏ برای امور بازرگانی صادرات محور خود وضع کرده‏ بودند و مالیات اندکی را به امور مربوط به سرمایه‏گذاری‏ تحمیل می‏نمودند.

6.درهای این کشورهابر روی تکنولوژی و سرمایه‏ خارجی باز بود.بسیاری از کشورهای آسیایی‏ آزادی‏های مدنی را برای جامعه خود ارمغان آوردند،به‏ برنامه‏ریزی‏های صنعتی همت گماشتند و بر فرآیند واردات سخت گرفتند.اما در مجموع میزان دخالت‏ دولت در امور اقتصادی بسیار پایین بود.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین و آفریقا نیز اکنون با الهام از شرق آسیا در حال اتخاذ اصلاحات بازار آزاد و شکل‏گیری معجزه اقتصادی خود هستند.کشورهای صنعتی می‏توانند مجددا"رشد اقتصادی سنتی خود را با اتخاذ اقتصاد مبتنی بر عرضه‏ فراوان،کاهش مالیات بر امور بازرگانی و سرمایه‏گذاری، خصوصی‏سازی تامین اجتماعی،گسترش هر چه بیشتر آموزش و برنامه‏های تحصیلی،افزودن کارایی مقررات‏ بازرگانی و اشتغال و حذف کسر بودجه بازیابند.